

فهرست

۷ دیباچه
۱۴ فصل اول مفردنویسان غیرایرانی مؤثر بر طب ایرانی
۲۱ فصل دوم مفردنویسان ایرانی تا قرن ۱۳
۵۳ فصل سوم سیر آموزش مفردات طب ایرانی از قرن ۱۳ هجری قمری تاکنون
۵۷ فصل چهارم گذری بر مبانی مفردات در طب ایرانی
۷۷ فصل پنجم مفردات گیاهی
۳۵۸ فصل ششم مفردات حیوانی
۳۸۰ فصل هفتم مفردات معدنی
۴۰۳ منابع
۴۱۷ واژه‌نامه

"چه کژ راه می‌روند مردمان امروز که می‌پندارند پزشکان دیروز چیزی نمی‌دانستند."

ابوعلی سینا

سپاس خداوند را که توفیق داد تا ثمره تلاشی طولانی، در جامه کتاب "مفردات طب ایرانی" آراسته و به محضر علاقه‌مندان پیشکش شود. این کتاب حاصل سال‌ها تحقیق و تدریس درس مفردات برای دستیاران دکتری تخصصی طب سنتی، فارماکوگنوزی، تاریخ علوم پزشکی و دکتری عمومی داروسازی و کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی است که البته سالیان متمادی تدریس داروهای طبیعی و ساختمان مولکولی آن‌ها بر اساس طب مدرن، نیز سهمی مؤثر در تألیف آن داشته است.

این کتاب بر اساس کتب مرجع طب سنتی ایران از جمله *الحاوی و المنصوری رازی، قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی جرجانی، اختیارات بدیعی حاج زین‌الدین عطار* و به‌ویژه *مخزن‌الادویه عقیلی خراسانی* و نیز با استفاده از کتب پزشکی مدرن مانند *WHO, PDR for herbal medicines* و *Pharmacognosy Trease & Evans monographs on selected medicinal plants* و به‌ویژه پژوهش‌هایی که با راهنمایی مؤلف انجام و منتشر گردیده، نگاشته شده است. هدف از نوشتن آن، تدوین کتابی درسی برای دستیاران و دانشجویان به‌ویژه دکتری تخصصی طب سنتی، فارماکوگنوزی، تاریخ علوم پزشکی (درس مفردات طب سنتی) و همچنین منبعی آموزشی، تحقیقاتی و کاربردی برای همه کسانی که مایل‌اند تا از مفردات طب سنتی در علوم پزشکی استفاده نمایند، بوده است. در فصول هفت‌گانه کتاب به ترتیب به نویسندگان غیرایرانی مفردات، نویسندگان ایرانی مفردات تا قرن ۱۳، سیر تاریخی مفردات طب ایرانی از قرن ۱۳ تا کنون، مبانی مفردات و مفردات معروف گیاهی، حیوانی و معدنی پرداخته شده است.

بحث اصلی در این کتاب، معرفی مفردات طب ایرانی است. در بخش نخست معرفی هر مفرده دارویی، نام سنتی، نام علمی، اندام مؤثره اصلی، طبیعت دارو، برخی کاربردهای اصلی، تصویر گیاه و تصویر اندام مؤثره دارویی ارائه شد. سپس به اختصار کاربردها در طب سنتی، ترکیبات اصلی، کاربردهای تأییدشده، ملاحظات مصرف شامل مضرات، مصلحات، بدل و در نهایت میزان معمول مصرف دارو بیان گردید. در معرفی تمام مفردات ذکر مطالب اصلی همراه با رعایت اختصار در نظر بوده است.

در قسمت نام سنتی، از بین نام‌های مندرج در متون، نام معروف‌تر انتخاب و همراه با نحوه تلفظ آن ارائه شد. برای تعیین نام علمی، علاوه بر تجربیات حاصل از تدریس گیاهان دارویی، از منابع معتبر

گیاه‌شناسی و نیز شرح ماهیت مفرده در متون طب سنتی استفاده شد و پس از تطبیق اندام‌های مختلف با تیره‌ها، جنس‌ها و گونه‌های شناخته‌شده، نام علمی تعیین گردید. در متون طب سنتی برای هر مفرده، اندام‌های مختلف با کاربردهای گاهی متفاوت ارائه شده است، در این کتاب، اندام یا اندام‌های معروف‌تر انتخاب شد. اندام‌های مختلف ممکن است دارای طبیعت (مزاج) متفاوت باشند، طبیعت ذکر شده، مربوط به اندام منتخب است. منظور از خواص در جدول، ذکر برخی کاربردهای دارویی است که در قسمت کاربردها در طب سنتی صورت مشروح یافته است. الگوی تنظیم مطالب ذیل عنوان کاربردها در طب سنتی، کتاب *قانون ابن سینا* بوده، هرچند در قسمت‌هایی نیز تغییراتی داده شد. این قسمت، با کلمات و شیوه نگارش متون طب ایرانی نوشته شد تا دانشجویان در زمان مراجعه به متون اصلی، به راحتی بتوانند از آن‌ها استفاده نمایند. ضمناً شرح لغات در قسمت معرفی اصطلاحات طب سنتی ایران و نیز واژه‌نامه به فهم مطالب کمک می‌رساند. در قسمت کاربردهای تأییدشده، منظور، تأیید توسط منابع معتبری مانند کمیسیون (E) اروپا است که یکی از معتبرترین مراجع در مورد کاربرد داروهای گیاهی محسوب می‌شود. به منظور استنباط بهتر اثرات دارو، یک یا چند ترکیب اصلی مفرده نیز ذکر شد. در قسمت ملاحظات مصرف، عوارض دارو، روش برطرف کردن عوارض دارو (مصلحات)، مقدار شربت (مصرف) و همچنین بدل (جایگزین) مفرده نیز ارائه شد. این قسمت، از کتاب‌های *قانون و مخزن‌الادویه* اقتباس گردید. در مورد بعضی از مفردات، برخی مطالب مربوط به قسمت ملاحظات در دو کتاب مذکور موجود نبود لذا برای رعایت ساختار معرفی مفردات، این موارد با علامت تیره (-) نشان داده شد.

برای آگاهی خوانندگان محترم از آداب معرفی مفردات در متون طب سنتی و مقایسه آن با روش این کتاب، به‌عنوان نمونه، متن کتاب *مخزن‌الادویه* درباره گیاه افسنتین در پی می‌آید.

افسنتین

به فتح همزه و سکون فا و فتح سین و سکون نون و کسر تاء مثناه فوقانیه و سکون یای مثناه تحتانیه و نون لغت یونانی است و به عربی خترق به خای معجمه مفتوحه و تاء مثناه فوقانیه ساکنه و رأی مهمله مفتوحه و قاف و به رومی ابستین و به فارسی مروه گویند و به لغت مصر نوع زبون آن را دمسیسه و نوع جبلی آن را ربل به رأی مهمله نامند و به هندی مجتری و شتارو گویند.

ماهیت آن: نباتی است مابین شجر و گیاه و شبیه به اقحوان که به فارسی بابونه گاوچشم نامند و ساق آن بلند و شاخ‌های آن انبوه و پربرگ شبیه به برگ صعتر و غبارآلود و با اندک زغب و گل آن مانند بابونه و از آن ریزه‌تر و در وسط آن تکمه کوچکی و در آن تخمی باریک شبیه به اسپند و با تلخی و قبض و اندک تیزی و بوی آن با عطریت و ثقلی. شیخ‌الرئیس گفته که چنین نوشته که افسنتین چند نوع

می‌باشد: خراسانی و شرقی و طرسوسی و سوسی و آنچه از کوه لگام می‌آورند و غیر این‌ها نیز و متقدمین پنج صنف دانسته‌اند: طرسوسی و سوسی و نبطی و خراسانی و رومی و نبطی آن با عطریت است و قوت قبض و تحلیل آن زیاده و حرارت آن کمتر و از این جهت اسهال بلغم نمی‌نماید هر چند در معده باشد و نفعی چندان در اسهال بلغم ندارد و مضر به فم معده نیست و صنفی را که برگ مانند برگ زردک و سفید و گل آن زرد و بی‌برگ و اهل مصر آن را دمسیسه نامند و منبت آن آنچه در اکثر شرقی بلاد شمالیه و خراسان و عراق است زیون‌ترین همه اصناف است و گفته‌اند که افسستین از اصناف شیخ است و لهذا بعض حکما آن را شیخ رومی نامیده‌اند و بعضی کشوئای رومی دانسته‌اند و مختار و بهترین اصناف آن رومی طرسوسی سفیدرنگ پس سوسی مزغب آن است که چون چوب آن را بشکنند و یا به کف دست بمالند بوی صبر از آن آید و در طعم آن حرافت و تلخی و قبضی باشد و نیز گفته‌اند بهترین انواع رومی سرخ‌رنگ با عطریت رایحه و تلخ طعم مزغب آن است که در آن گره‌ها باشد و آنچه را از جزیره نیطس آورند قبض آن بیشتر از اصناف دیگر است و برگ و گل آن کوچک‌تر و گاه مغشوش می‌کنند آن را به زردی زیت که با آن در آب جوش می‌دهند و خشک می‌نمایند و فرق میان آن هر دو آن است که مغشوش آن را چون در آتش اندازند بوی زیت از آن آید به خلاف خالص.

طبیعت آن: گرم در اول و خشک در سیّم و بعضی گرم در اول دویم و خشک در آخر آن گفته‌اند و این اصح است و گرمی عصاره آن زیاده از حشیش آن و اقوی از آن و همچنین تخم و گل آن اقوی است از حشیش آن.

افعال و خواص و منافع آن: مفتوح و ملطف و مشهی و قابض و تلخ و قبض آن اقوی و زیاده از تلخی آن است. مسهل صفرا و ماء‌اصفر و سایر اخلاط مراریه مجتمعه در معده به ادرار به بول و منقی عروق سینه و شش و با افتیمون و به‌دستور با افتیمون و اسطوخودوس منقی و مسهل سودا و جهت صداع و لقوه و فالج و استرخا و رعشه و صرع و سکتة و کابوس و دوار و سدر و مالیخولیا و سبات و امراض عین و گوش و دهان و حلق و معده و کبد و مراره و طحال و ارحام و بواسیر و اوجاع اعصاب و اعیاء و داء‌الثعلب و داء‌الحیه و دفع سموم مشروبه و منهوشه و تقویت معده و اشتها و ادرار بول و حیض و شیر و عرق و قتل اقسام دیدان و امثال این‌ها از امراض هر یک به‌تنهایی و یا با ادویه مناسبه آن نافع شرباً و ضماداً. *الصداع و اللقوه و الفالج و الاسترخاء و الرعشه و الصرع و السکتة و الکابوس* نشوق آب مطبوخ آن با شیخ ارمنی خصوصاً که در آن قدری ایارج‌فیکرا حل کرده باشند صداع حادث متولد در مقدم دماغ و آشامیدن مطبوخ آن جهت آن‌که محلل ریاح دماغی است و غرغره به آن لقوه و شرب طیبخ آن به‌تنهایی و یا با عسل لقوه و فالج و استرخا و رعشه و صرع و سکتة و کابوس را نافع و چون مفلوجی که در معده او اخلاط حاره حاصله از ادویه مشروبه باشد بنوشد آن را، خارج می‌گرداند آن‌ها

را و تبرید می‌کند بالعرض و ریختن عصاره آن به گلوی مسکوت و سعوط نمودن آن را مفید. *الدوار و السدر و السبات و الاعیاء و المایخولیا* آشامیدن مطبوخ آن با صبر سقوطی دوار و سدر حادث از صفرا و بلغم را و نقیع آن سبات و طبیخ آن با افتمون مایخولیا را و نیز تجرع هرروز دو اوقیه از آب طبیخ آن و اگر ماده مایخولیا مایل به مراری باشد ده قیراط عصاره آن را در آب حل کنند و بیاشامند و اگر به شرکت مراق بود و در مراق ریاح بارده نافخه باشد و ورم و لهیب نباشد تنقیه آن به طبیخ افسنتین یا عصاره آن به نحو مذکور نمایند و تدهین روغن گل آن جهت اعیای امتلائی مفید. *امراض العین* چون بگیرند حشیش آن را و ساییده، در خرقه کتانی بسته، در آب گرم جوشان فرورده، تکمید نمایند به آن چشمی را که طرفه داشته و مدت طولانی طول کشیده باشد زایل گرداند آن را به جهت آنکه گویند جذب می‌کند خون را به سوی خود به حدی که خون در آن صره می‌آید که اگر بفشارند خون از آن برمی‌آید و طلای مطبوخ آن در میپختج جهت درد چشم و غشاه و ورم و ضربان آن و با عسل جهت رفع آثار بنفشی تحت پلک چشم و ضمد آن با ناردین جهت رمد خصوصاً نبطی آن و احتحال آن جهت رمد و غشاه. *امراض الاذن* چون افسنتین را در آب با روغنی قابض یا در شراب پخته گوش را به بخار آن بدارند نافع است و جمع آن را و ورم بناگوش را و همچنین طلای آن بر بناگوش و قطور عصاره آن و جمع حادث به سبب دیدان و یا ریاح و یا رفتن آب در آن را نافع به جهت آنکه قاتل دیدان و محلل ریاح و آب است و قطور مطبوخ آن در روغن بادام تلخ به حدی که تمام قوت آن در روغن آید با قلیلی زهره بز نیز محلل ریاح گوش و متقی جراحات آن در ساعت و رافع کری است هرچند کهنه باشد و همچنین قطور ممزوج آب مطبوخ آن با روغن بادام تلخ و زهره بز برآمدن آب را از گوش بازدارد. *امراض الفم و الحلق و الصدر و الریه* طلای افسنتین کوبیده و با نظرون و عسل سرشته بر حنک یا از خارج بر حلق نافع است ورم عضلات داخلیه آن را و خناق و ورم بناگوش و جمع آن را و همچنین غرغره مطبوخ آن یا عصاره آن به تنهایی یا با ادویه مناسبه آن و آشامیدن آب طبیخ آن جهت تنقیه صدر و ریه و آنچه در عروق آن‌ها است از اخلاط صفراویه نافع.

المعده و الکبد و المراره و الطحال و الامعاء و الرحم و المقعده و الیدیان و البواسیر و المفاصل آشامیدن آن با ناردین جهت درد معده و تحلیل صلابات باطنیه و نفخ و ریاح و همچنین ضمد آن و شرب طبیخ آن جهت تقویت معده و آوردن اشتهای طعام که زایل شده باشد عجیب‌الفعل است و جهت اوجاع جنین و خاصره و تهیج صورت و اطراف و استسقا و اوجاع مفاصل و امراض مقعده بارده و دفع بخارات فاسده و اصلاح فساد مزاج و ابتدای سوءالقیه و به دستور عصاره آن جهت امراض مذکوره و همچنین چون بیاشامند ده روز هر روز مقدار بیست مثقال از آب مطبوخ آن به جهت رفع سقوط اشتها که از رطوبت باشد و زوال یرقان نافع و آشامیدن طبیخ آن به تنهایی و یا با عسل و یا با افتمون جهت طحال و همچنین با ادویه مناسبه دیگر و ضمد کوبیده آن با انجیر و نظرون و شیلیم جهت استسقا خصوصاً با سرکه و به دستور با نظرون و انجیر و دقیق سوسن برای طحال و با

اکلیل‌الملک در زیت پخته جهت ورم کبد در اواخر و طلای مطبوخ آن با سرکه جهت وجع مفاصل حار و ترمیخ آن با موم و روغن گل‌سرخ یا روغن حنا جهت درد تهیگاه و درد معده کهنه و جگر و بواسیر و شقاق مقعده و وجع آن و صلابت رحم و همچنین ضماد آن به تنهایی و فرزجه آن با عسل جهت ادرار حیض و حمل آن با موم جهت اخراج حب‌القرع و آشامیدن آب مطبوخ آن به تنهایی و یا مطبوخ آن با برنج یا با عدس جهت قتل و اخراج اقسام کرم و آوردن اسهال نافع و با سرکه جهت بواسیر و شقاق مقعده و اخراج اخلاط حاره که به سبب ادویه مشروبه در معده به هم رسیده باشد مؤثر و آشامیدن شراب آن جهت تمدد زیر شراسیف و تقویت معده و دفع بواسیر و شقاق مقعده و تنقیه عروق می‌نماید از اخلاط مراریه و مایه و ادرار می‌فرماید. *الحمی و داء‌الثعلب و الحیه و الشرا و دفع السموم و غیرها و الزینه* آشامیدن طبیخ آن جهت تب‌های عفن مرمنه و مرکب و کهنه و با ناردین جهت داء‌الثعلب و داء‌الحیه و اصلاح فساد مزاج و به تنهایی جهت نیکویی رنگ رخساره و به دستور ضماد آن و آشامیدن ده درم مطبوخ آن جهت گزیدن عقرب و با شراب جهت سم شوکران و نهش تین بحری و بری نیز و با سرکه جهت خنق عارض از شرب فطر و ضماد آن با آب جهت شری و تحلیل صلابت و داء‌الثعلب و داء‌الحیه و گذاشتن آن در صندوق و میان متاع مانع کرم‌زدن ثياب و آمیختن آب مطبوخ آن با مرکب مانع تغیر آن و خوردن ارضه و کرم و سوس و موش کتابی را که با آن مرکب کتابت کرده باشند و طلای آن با زیت بر بدن مانع مقارنت پشه است به آن کس و ذرور آن جهت گریزانندن هوام و پاشیدن آب طبیخ آن کشنده کیک و تدهین آن باعث طرد هوام.

المضار: گفته‌اند افسستین مضعف فم معده است سوی نبطی آن ولیکن ضرر عصاره آن زیاده از حشیش آن است و مصدع و مجفف، **مصلح** آن در مبرودین انیسون و مصطکی و در محرورین شربت انار و امثال آن و شیخ‌الرئیس و صاحب شفاء‌الاسقام و دیگران گفته‌اند که حشیش افسستین موافق‌ترین ادویه است از برای معده و تقویت آن و عصاره آن مضعف آن است به جهت آنکه در عصاره آن قوت قبضی که محتبس است در حشیش آن، نیست و نیز صاحب شفاء‌الاسقام گفته جایز نیست استعمال آن قبل از نضج اخلاط به جهت آنکه ضرر آن در آن حین بیشتر از نفع آن است به سبب قوت قبضی که دارد و بالجمله در آن دو قوت است قوت اسهال و قوت قبض و دو جوهر نیز یکی جوهر لطیف هوایی ناری که باعث اسهال و تفتیح است و دیگری جوهر کثیف ارضی که موجب قبض و حبس است.

مقدار شربت: از جرم آن از یک مثقال تا دو مثقال و در مطبوخ تا دو درهم است اما باید که چون جرم آن را به طریق سفوف و غیر آن اگر استعمال نمایند به جهت رفع قبض آن به روغن بادام چرب نمایند.

بدل آن: در اسهال غافت و شیخ ارمنی است و جهت تقویت معده به وزن آن اسارون و نصف آن هلیله

زرد و به جهت جگر عصاره غافث و جعده و قيصوم.

و **عصاره آن** که آن را کوبیده آب آن را گرفته در آفتاب خشک کنند در جميع افعال مذکوره اقوی است و نیز محلل و مفتاح سده جگر و مجاری مابین معده و جگر و مجاری امعا و جهت تب‌های کهنه و مرکبه قدیمه و تقویت معده و تنقیه آن از اخلاط مراریه و آوردن اشتهای طعام و ابتدای سوءالقنیه و استسقا و یرقان و نیکوکردن رنگ رخسار و اصلاح فساد مزاج شرباً مفید و جهت تهیج وجه و ورم اطراف و ورم طحال و داءالثعلب و داءالحيه شرباً و ضماداً نافع و مورث کرب و صداع و مصلح آن ریوند.

مقدار شربت آن: تا یک درهم.

بدل آن: سه وزن افسنتين یا غافث یا شکاعی است و این ضعیف است.

شیخ‌الرئیس گفته عصاره آن مصدع است و ظن من آن است که همین سبب مضرت آن است به معده، مصلح آن در مبرود انیسون و در محرور رب آب انار است و حب افسنتين و ادهان و اشربه و اضمده و عرق و غرغره و اقراص و مطبوخات و معجون آن در قرابادین ذکر یافت با خواص و منافع و طرق استعمال و صنعت هر یک.

در تدوین این کتاب، آقای دکتر مصطفی معلمی (استاد تاریخ علوم پزشکی)، خانم افسانه بنیادی (کارشناس ارشد تاریخ علوم پزشکی)، خانم شهرزاد قلی‌زاده (کارشناس ارشد ادبیات فارسی)، برخی دستیاران فارماکونوزی، طب سنتی، تاریخ علوم پزشکی و دانشجویان کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران مشارکت داشته‌اند که بدین وسیله صمیمانه از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

بی‌تردید در این کتاب نقایص و کمبودهایی وجود دارد که ان‌شاءالله با راهنمایی و ارشاد اساتید، دانشجویان و پژوهشگران محترم، در چاپ‌های بعد تصحیح و تکمیل خواهد شد. ضمناً از مجموعه انتشارات ارجمند به‌ویژه جناب آقای دکتر ارجمند، سرکار خانم هداوند و آقای آرین که بیش از یک سال برای آماده شدن این کتاب زحمت کشیدند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

دکتر محمد آزادبخت

فصل اول

مفردنویسان غیر ایرانی مؤثر بر طب ایرانی

نویسندگان غیرایرانی متعددی در زمینه مفردات طبی، کتاب‌هایی نوشته‌اند که ایرانیان در تألیفات خویش از آن‌ها استفاده کرده‌اند. دیوسکوریدس و ابن‌بیطار از جمله این نویسندگان‌اند. بسیاری از مفرداتی که اینان شرح داده‌اند در کتب حکمای ایرانی نیز به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. حتی متن تک‌نگاره بسیاری از مفردات، از کتاب‌های این نویسندگان اقتباس شده است. بنابراین قبل از مؤلفان ایرانی، معرفی تعدادی از این نویسندگان در پی می‌آید.

دیسکوریدوس (تولد ۴۰م - ۹۰م): طبیب، گیاه‌شناس و داروشناس معروف یونانی که به نام‌های دیوسکوریدس و پدانیوس نیز شناخته می‌شود، قرن اول میلادی در عهد نرون متولد شد. او تألیفات متعددی در مورد داروهای گیاهی دارد. ابن‌الدیم وی را از مفسران کتب بقراط می‌داند. او مؤلف کتابی در زمینه مفردات دارویی است که جالینوس آن را کامل‌ترین کتاب در این رشته می‌داند. این کتاب اساس داروشناسی دانشمندان اسلامی بوده و در مآخذ اسلامی به نام‌های *هیولی علاج‌الطب*، کتاب - *الادویه المفردة* و کتاب *الحشائش والنباتات* خوانده شده است. دیوسکوریدس در سمت پزشک با ارتش روم مسافرت و هم‌زمان ویژگی‌ها، پراکندگی و خواص طبی گیاهان و مواد معدنی را بررسی می‌کرد. این اثر ۵ جلدی طی ۷۷ سال نوشته شد و در آن ۶۰۰ گیاه، ۳۵ محصول حیوانی و ۹۰ ماده معدنی معرفی شد. اصفه‌بن‌باسیل آن را به عربی ترجمه و حنین‌بن‌اسحاق آن را تصحیح نموده است. بسیاری از دانشمندان هنگام نام‌گذاری علمی گیاهان به نام‌گذاری دیوسکوریدس توجه داشته‌اند.

جالینوس (تولد ۱۲۹ یا ۱۳۰م / وفات ۱۹۹ یا ۲۰۰م): کالبدشناس، پزشک و داروشناس شهیر یونانی است که نظام اخلاط چهارگانه را پذیرفت و با استفاده از آن کوشید تا پزشکی را به مبنای بقراطی‌اش بازگرداند. حنین‌بن‌اسحاق مفصل‌ترین گزارش را درباره ترجمه آثار جالینوس نگاشته که شامل ۱۲۹ رساله است. علی‌بن‌سهل (ربن) طبری، در کتاب *فردوس‌الحکمه* از ترجمه‌های سریانی این متون، استفاده کرده و خود، آن‌ها را به عربی برگردانده است. پزشکان دوره اسلامی با توجه به تعدد آثار جالینوس و شمول تقریبی آن‌ها بر کلیه بخش‌های دانش پزشکی، در زمینه‌های مختلف، این آثار را به‌کار گرفتند که مهم‌ترینشان کاربرد آموزشی یعنی استفاده از آن‌ها در آموزش پزشکی به‌منزله کتاب درسی بوده است. مجموعه عربی آثار جالینوس، سبب شده است که این میراث جهانی در طول تاریخ، از نابودی و گم شدن در امان بماند. مهم‌ترین گزیده‌ها از آثار جالینوس را نیز دو تن از مشهورترین متفکران و پزشکان دوره اسلامی، محمدبن‌زکریای رازی و ابن‌رشد، پدید آورده‌اند. رازی با تلخیص چهار کتاب از جالینوس کتاب‌های *اختصار کتاب النبض الکبیر*، *اختصار کتاب حیل‌البرء*، *تلخیص کتاب العلیل والاعراض* و *تلخیص کتاب الاعضاء* را پدید آورد. ابن‌سینا نیز در *القانون فی الطب* چندین بار از آرای جالینوس سخن به‌میان آورده است. ابن‌بیطار، گیاه‌شناس اندلسی، بیش از همه از آرای جالینوس

سود برده و از او نقل قول کرده است.

ابوداود سلیمان بن حسان بن جلجل (وفات ۴۰۰ق): سلیمان بن حسان اندلسی، ابوداود، معروف به ابن-جلجل پزشک و گیاه‌دارشناس مشهور اندلسی در سده چهارم هجری قمری است. از زندگی وی اطلاع کمی در دست است. احتمالاً جلجل صورت تحریف‌شده نام اسپانیایی نیای او بوده که پس از فتح اندلس مسلمان شده است. او در قرطبه زاده شد و از ده‌سالگی به تحصیل علم پرداخت. علم حدیث را از افرادی چون احمد بن فضل دینوری و ابوالحزم وهب بن مسره، فقیه و محدث مراکز علمی قرطبه آموخت. در سال ۳۵۸ق در ۲۶سالگی *الکتاب سیئویه* را نزد محمد بن یحیی، ادیب مشهور اندلس فراگرفت و از همان روزگار ملازمت ابوبکر بن قوطیه و ابویوب سلیمان را برگزید. ابن‌جلجل در چهارده‌سالگی به پزشکی علاقمند شد و در کنار دانشمندان و پزشکانی که به ریاست حسدای بن-شبروط، پزشک و وزیر مشهور عبدالرحمان الناصر اموی، با نیکلای راهب همکاری می‌کردند، پزشکی را آموخت. ابن‌جلجل در ۲۴سالگی در پزشکی صاحب رأی و نظر شد و به‌سبب همین مهارت در پزشکی و داروشناسی به سمت طبیب خاص خلیفه هشام دوم المؤید اموی برگزیده شد. وی در سال ۳۷۲ق کتاب *تفسیر اسماء الادویة المفردة* را تألیف کرد این کتاب تفسیری بر *ادویة المفردة یا الحشایش دیوسکوریدس* است. مقاله *فی ذکر الادویة التي لم يذكرها دیسکوریدس فی کتابه* درباره داروهایی است که در پزشکی کاربرد داشته‌اند و چنان‌که ابن‌جلجل اشاره کرده، دیوسکوریدس از ذکر آن‌ها غفلت کرده است. *طبقات الاطباء والحکماء* مهم‌ترین اثر ابن‌جلجل است که در منابع گوناگون نام‌های متعددی چون *اخبار-الاطباء الاندلسی، اخبار الاطباء والفلاسفة* و نیز به‌عنوان کتاب کوچک درباره تاریخ حکما از آن یاد شده - است. این کتاب ۹ بخش دارد و حاوی شرح حال ۵۷ تن از پزشکان و فیلسوفان از هرمس تا روزگار معاصر ابن‌جلجل است. پنج بخش نخست به رومیان و یونانیان و اسکندریان تعلق دارد. بخش ششم به حکمای صدر اسلام، بخش هفتم درباره پزشکان و فیلسوفان جهان اسلام، اعم از مسلمانان و غیر-مسلمان، بخش هشتم درباره حکمای غرب جهان اسلام و بخش نهم درباره حکمای اندلس است. ابن-جلجل این کتاب را به‌خواست یکی از بزرگان اندلس تدوین کرد و آن را در ۳۷۷ق به پایان رساند. از دیگر آثار ابن‌جلجل، *رسالة التبین فیما غلط فیہ بعض المتطببین* در خصوص اشتباهات برخی پزشکان و مقاله *فی ادویة التریاق* را می‌توان نام برد.

ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (وفات ۴۰۴ق): در مدینه‌الزهراء در نزدیکی قرطبه در خانواده‌ای از دیار اندلس زاده شد. وی در شمار مشهورترین اطبا است اما نه در میان معاصرانش در اندلس و نه در سده‌های بعد در میان عرب‌ها، بلکه تنها پس از آنکه ژرار کرمونایی کتاب او را قرن ۱۲ میلادی به لاتین

ترجمه و منتشر کرد در مغرب‌زمین به‌عنوان جراح شهرت یافت. ابن‌ابی‌اصیبعه وی را طبیبی شایسته می‌داند که در داروسازی زبردست و در درمان ماهر است. برخلاف نظر ابن‌ابی‌اصیبعه که وی را جراحی برجسته نمی‌شمرد، مشاهدات شخصی و بحث‌های انتقادی او روشن می‌سازد که کاملاً در اعمال جراحی وارد بوده است. بی‌تردید می‌توان او را به‌دلیل ابداعاتش، بزرگ‌ترین جراح قرون وسطی دانست. وی از پیشرفت اندکی که جراحی تا آن موقع داشت، تأسف می‌خورد و آن را به کم‌اطلاعی از علم تشریح نسبت می‌داد. زهراوی نخ‌های جراحی مختلف تهیه‌شده از موی اسب، پنبه، ابریشم، روده گربه و تار عنکبوت را شرح و محاسن و معایب هر کدام را توضیح داد. وی مجموعه ابزار و وسایل جراحی را تصحیح و برای آن‌ها تصویر عرضه کرد که در تمامی نوشته‌های عربی منحصربه‌فرد است. زهراوی کتاب *التصريف لمن عجز عن التأليف* را نوشته است. کتاب او دارای سه بخش پزشکی، داروشناسی و جراحی در سی فصل است. این طبیب بزرگ‌ترین جراح در طب سنتی است.

ابوجعفر احمد بن محمد غافقی (وفات ۵۶۱ق): در شهر غافق از شهرهای اندلس دیده به جهان گشود. تنها اثری که از وی گزارش شده، کتاب *الادویة المفردة* است. این کتاب که در آن گیاهان دارویی به‌دقت توصیف شده‌اند، یکی از بزرگ‌ترین متون مدون و منظم در زمینه دانش داروشناسی است و نفوذ عظیمی در آثار ابن‌بیطار (گیاه‌شناس بزرگ) داشته است.

ابن‌بیطار (تولد ۵۹۳ق/۱۱۹۷م): ضیاء‌الدین بن احمد بن بیطار اندلسی مالقی، گیاه‌شناس، داروشناس و پزشک قرن هفتم هجری، از خاندان بیطار و اهل مالاگا از شهرهای جنوب شرقی اندلس بود. محل تولدش را در سویل (در منابع ایرانی - اسلامی اشبلیه) اندلس ذکر کرده‌اند. او به نباتی نیز شهرت داشت. ابن‌بیطار در سویل که در آن روزگار مرکز بزرگ علم و ادب بود، نزد استادانی چون ابوالحجاج یوسف بن موراطیر و به‌ویژه گیاه‌شناس نامی، اشبیلی و ابوالعباس احمد بن محمد مشهور به ابن‌الرومیه به تحصیل و بررسی و گردآوری گیاهان دارویی پرداخت. آثار پزشکان و داروشناسان یونانی چون دیوسکوریدس، جالینوس و اندلسی همچون احمد بن محمد غافقی، قربطی، ابوالقاسم خلف بن العباس زهراوی و مغربی همچون شریف ادریسی، اسحاق بن عمران و ابن‌جزار آشنا شد. ادوارد براون او را جانشین دیوسکوریدس در جهان اسلام دانسته است. او به‌سبب علاقه بسیار به مطالعه گیاهان دارویی سفرهایی به سراسر اندلس کرد تا گیاهان را از نزدیک مشاهده کند و با محیط رویش و نحوه پرورش و آب و هوای مناسب رشد گیاه آشنا شود. وی ضمن ثبت نتایج مشاهدات، به تکمیل تحقیقات گذشتگان می‌پرداخت. در حدود سال ۶۱۷ قمری به‌قصد تحقیق درباره مطالب گیاهان دارویی کتاب‌های پیشین به سفر در کشورهای غربی جهان اسلام آن روزگار پرداخت. او از شمال آفریقا یعنی کشورهای مراکش (مغرب)، الجزایر و تونس بازدید کرد. در ادامه سفرهای تحقیقاتی خود به مصر رفت. ملک‌کامل اول

محمد بن محمد (۶۱۵-۶۳۵ق) پادشاه سلسله ایوبیان پس از آگاهی از حضور ابن بیطار در آن سرزمین او را به نزد خود فراخواند و ریاست و سرپرستی گیاه‌شناسان دارویی مصر را به او واگذار کرد. بنا بر گزارش مورخان، ملک کامل اول به آرا و نظریه‌های ابن بیطار اعتماد کامل داشت. پس از مرگ ملک کامل اول، ابن بیطار به دمشق رفت و به خدمت فرزند وی، ملک صالح نجم‌الدین ایوب درآمد و نزد او مقامی والا یافت و ریاست گیاه‌شناسان دارویی مصر بار دیگر به او تفویض شد و بر همگان برتری یافت. ابن بیطار دو اثر معروف خود *الجامع المفردات الادویة والاغذیة والمعنی فی الادویة المفردة* را به فرمان ملک صالح نجم‌الدین ایوب در زمان اقامت در قاهره تألیف کرد. ابن بیطار پس از چندی مقام و منصب را رها کرد و به دمشق بازگشت و به تحقیقات خود درباره گیاهان دارویی ادامه داد. سپس به روم، آسیای صغیر، عربستان، فلسطین و بخش‌هایی از عراق سفر کرد و به مطالعه گیاهانی که در این سرزمین‌ها می‌روئیدند، پرداخت. هنگام اقامت در دمشق، ابن ابی‌اصیبه که از چهره‌های شناخته‌شده آن دیار بود به او پیوست و معروف‌ترین شاگرد وی در داروشناسی شد. ابن بیطار سال‌های پایانی عمر خود را در دمشق سپری کرد و در همان جا درگذشت. در منابع درباره پرداختن ابن بیطار به طبابت مطلبی نیامده است. به نظر می‌رسد که هدف او تحقیق درباره گیاهان دارویی، نحوه استفاده از آن‌ها و تهیه دارو بوده است.

کتاب *الجامع فی الادویة المفردة* (الجامع) مشهورترین و معروف‌ترین اثر ابن بیطار است که در واقع بزرگ‌ترین دایرة المعارف داروشناسی باقی‌مانده از قرون وسطی است. وی در این تألیف به ترتیب حروف الفبا، حدود ۱۴۰۰ دارو و خوراکی ساده گیاهی، معدنی و جانوری را با استناد به بیش از ۱۵۰ مأخذ و با استفاده از تجربه‌ها و مشاهدات شخصی توصیف نمود که می‌توان آن را با کتاب *دوم قانون* ابن سینا که تقریباً حاوی ۸۰۰ ماده است، مقایسه کرد. از ۱۴۰۰ داروی خوراکی ذکر شده در این کتاب، حدود ۱۰۰۰ دارو را مؤلفان یونانی پیشین به‌ویژه دیسکوریدس و جالینوس و ۴۰۰ ماده‌ی دیگر را که ۲۰۰ مورد آن گیاهی است، دانشمندان دوره‌ی ایرانی-اسلامی تا آن روزگار شناسایی کرده بودند. ابن بیطار مفردات داروها را به صورت الفبایی مرتب و نام لاتین، اسپانیولی، عربی و برخی موارد نام سریانی را ذکر کرده است. وی مقالات پنج‌گانه دیوسکوریدس و مقالات نه‌گانه جالینوس را با تمامی گفته‌های گیاه‌شناسان و داروسازان جمع‌آوری کرد و مطالبی را که گذشتگان به آن اشاره نکرده بودند، از مشاهدات و تجربه‌های خود به آن افزود. در این کتاب که بر اساس حروف الفبا تنظیم شده، اسامی دارو، شرح محل رویش گیاه، طبیعت گیاه، توصیف دقیق شکل گیاه، گوناگونی گیاه، مقایسه گیاه با گیاهان مشابه، خواص دارویی، روش مصرف و نقل قول‌های مربوط به آن بیان شده است. مایهوف (۱۸۷۴-۱۹۴۵م) پس از بررسی بخش موجود از کتاب *الادویة المفردة* غافقی و نیز با بررسی عمیق در *شرح/سمااء العقار* ابن میمون (۵۲۹-۶۰۱ق) بیان می‌کند که ابن بیطار تمام مطالب کتاب غافقی را در *جامع المفردات* گنجانده و مترادفات را هم بیشتر از کتاب غافقی و واژه‌نامه ابن میمون نقل کرده است.

اما بسیاری از پژوهشگران با تأیید مطالب فوق بر این باورند که ابن بیطار در حقیقت کامل‌کننده آرای غافقی و ابن میمون است.

کتاب *المغنی فی الادویة المفردة* یا *المغنی فی العلاج بالادویة المفردة* یکی دیگر از کتاب‌های باارزش ابن بیطار در بیست فصل است. ابن بیطار در این اثر که آن را به ملک‌صالح نجم‌الدین تقدیم کرده، داروهای مفرد مخصوص هر بیماری را به اختصار معرفی نموده است.

ابن بیطار کتاب *الابانة والاعلام بما فی المنهاج من الخلل والاورهام* را در نقد کتاب *منهاج البیان فی ما- يستعمله الانسان* ابن جزله نوشته است و در این کتاب بسیاری از اشتباهات ابن جزله، درباره داروها و خوراکی‌های ساده و مرکب، را تصحیح کرده است. *تذکرة ابن بیطار*، *رسالة فی تداوی السموم*، *میزان الطیب* و *رسالة فی الاغذیة والادویة* دیگر آثار ابن بیطاراند.

ابن نفیس قرشی (وفات ۶۸۷ق): علاء‌الدین علی بن ابی‌حزم قرشی، پزشک و دانشمند اهل قرش ماورالنهر (واقع در دمشق) در قرن هفتم هجری است. وی تحصیلات ابتدایی را در دمشق به پایان رساند و علم پزشکی را در بیمارستان کبیر نوری آن شهر فراگرفت. ابن نفیس شاگرد مهذب‌الدین الدخوار (عبدالرحیم علی بن حامد) پزشک معروف و مؤسس مدرس دخوریه بود. علاوه بر پزشکی به فراگیری منطق و علوم اسلامی پرداخت و دانش‌هایی چون صرف و نحو و فلسفه را نزد اساتیدی چون محمد بن ابراهیم بن نحاس آموخت. در منطق به شیوه متقدمان تمایل داشت و در طب با جالینوس مخالفت می‌ورزید. ابن نفیس در تاریخی نامشخص از دمشق به قاهره رفت و در آنجا رئیس‌الاطبا لقب گرفت. گزارش‌هایی مبنی بر تدریس وی در بیمارستان منصوریه قاهره و بیمارستان ناصری موجود است. در اواخر عمر به سبب نداشتن زن و فرزند، خانه و کتابخانه‌اش را به بیمارستان قلاوون که بیمارستان منصوریه نیز نامیده می‌شد، هدیه کرد. منابع بسیاری بر توانایی ابن نفیس در پزشکی و درمان بیماری‌ها تأکید کرده‌اند، او را ابن‌سینای ثانی نامیده‌اند. در سن سی‌سالگی کتاب مهم *الشامل فی الصناعة الطبیة* را تألیف کرد که درباره گیاهان دارویی و بخش‌هایی درباره جراحی و مشتمل بر هشتاد دفتر (مجلد) است. کشف گردش کوچک خون یعنی گردش بین قلب و ریه موجب شهرت ابن نفیس در قرون اخیر شده است. ابن نفیس ضمن انتقاد صریح از نظریه جالینوس، مبنی بر وجود منافذی میان بطن راست و چپ قلب تأکید کرد که خون از بطن راست از راه ورید شریانی به سمت ریه می‌رود و پس از اختلاط با هوا از راه شریان وریدی به بطن چپ سرازیر می‌شود. ابن نفیس با رد نظریه ابن‌سینا درباره وجود سه بخش در قلب، ضمن اثبات انبساط و انقباض قلب و لزوم تلطیف خونی که از قلب می‌آید، به بزرگ‌تر بودن بطن چپ از بطن راست اشاره کرده است. از دیگر آثار ابن نفیس می‌توان به رساله در *اوجاع الاطفال*، *تشریح الاعضاء المفردة*، *تفاسیم العلیل والاسباب الامراض*، *شرح اشارات ابن سینا* و *شرح قانون*

ابن سینا اشاره کرد. ابن نفیس همچنین، علاوه بر شرح مفصل قانون، مختصری از آن را به نام موجز-
القانون در چهار فن امراض، ادویه، اغذیه و معالجات تنظیم کرد.

فصل دوم

مفردنویسان ایرانی تا قرن ۱۳

کتب داروشناسی طب ایرانی از مجموعه اطلاعات یونانیان و ایرانیان و هندوان فراهم آمده و به تدریج اسامی و اطلاعات جدیدی به آن‌ها افزوده شده است. داروها به سه دسته نباتی، حیوانی و معدنی تقسیم و خواص و منافع هر یک در کتاب‌ها نوشته شده است. بعضی از داروهای شیمیایی را هم کسانی مانند رازی، که در علم کیمیا راه تجربه و کشف چیزهایی مانند الکل و زیت‌الزاج و سفیداب سرب را پیموده بود، متداول کردند. علم داروشناسی را به عربی «الصیدله» می‌گفتند. از این نکته نمی‌توان گذشت که در داروشناسی، ایرانیان سهم مهمی داشتند.

یوحنا بن ماسویه (تولد ۱۷۰ق/ وفات ۲۴۳ق): چشم‌پزشک و داروساز ایرانی اهل جندی‌شاپور و پزشک مخصوص هارون الرشید، نام وی جرجیس، کنیه‌اش ابویوحنا است. او قریب سی سال در بیمارستان جندی‌شاپور، نزد جبرئیل فرزند بختیشوع (چشم‌پزشک برجسته جندی‌شاپور) خدمت کرد. به دلیل هوش و پشتکار زیاد توانست به صورت تجربی و عملی با بسیاری از بیماری‌ها، روش‌های درمان و انواع داروهای مفید به‌ویژه در چشم‌پزشکی آشنا شود. او با درمان چشم هارون الرشید که حتی جبرئیل بن بختیشوع از آن ناتوان بود، به دربار خلافت نیز راه یافت. پدر یوحنا از اطباء جندی‌شاپور و تربیت‌یافته این مکتب و در طب و داروسازی مشهور بود. ابویوحنا در بغداد درس طب می‌گفت و به کار تألیف و ترجمه مشغول بود. به علم تشریح علاقه وافری داشت و چون نمی‌توانست جسد انسان را تشریح کند، میمون‌ها را کالبد شکافی می‌کرد. چنین، مترجم معروف، از شاگردان او بود. یوحنا بسیاری از کتب را ترجمه کرد. آثار و مؤلفات یوحنا بن ماسویه کتاب‌های التشریح (نسخه‌ای از آن در حلب موجود است)، *الحيوان* که نسخه‌ای از آن به زبان لاتین در کتابخانه دانشگاه آکسفورد انگلستان دیده شده است، *فی الاغذیه، فی الاشریه، فی الفصد والحجامة، فی الجذام* که به نظر می‌رسد کسی قبل از او در این زمینه کتابی ننوشته است، *الادویه المسهله، السموم وعلاجهها، دفع مضار الاغذیه، ماء الشعير والابدال* که آن را برای حنین بن اسحاق نوشته است را شامل می‌شود.

شاپور بن سهل (وفات ۲۵۵ق): شاپور طبیبی ایرانی بود که در بیمارستان جندی‌شاپور به معالجه بیماران می‌پرداخت. وی به خواص داروها و ترکیب کردن آن‌ها آشنا بود. کتاب داروسازی خود را به عربی و به نام *الاقربادین الکبیر* در ۱۷ باب نوشت. از این کتاب در اواخر قرن سوم و تمام قرن چهارم و پنجم و قسمتی از قرن ششم در دکان عطاران و دارو فروشان و بیمارستان‌های بغداد و ایران استفاده می‌شد تا وقتی که *قربادین ابن التلمیذ* (متوفی به سال ۵۶۰ هجری) جای آن را گرفت. شاپور بن سهل از جمله قدیمی‌ترین داروشناسان تمدن اسلامی است که اطلاعات مرکز علمی جندی‌شاپور را به بغداد انتقال داد. از آثار دیگر شاپور می‌توان به *قوی الاطعمه ومضارها و منافعها، الردعی حنین فی کتابه فی الفرق بین*

الغذاء والدواء المسهل، القول فی النوم والیقظة، ابدال الادویة اشاره نمود.

علی بن ربن طبری (تولد در حدود ۱۹۰ق/وفات ۲۴۷ق): ابوالحسن علی بن ربن طبری معروف به ابن-رین طبری طبیب بزرگ عالم اسلام و ایران است که نخستین رکن از ارکان چهارگانه علم پزشکی یعنی فردوس الحکمه را تألیف کرد. ابن رین طب را ابتدا نزد پدر فراگرفت. پدر ابن ربن طبری از معلمانی بود که در مرکز معروف علمی مشرق ایران، مرو، که از اواخر دوره ساسانی به بعد شهرت داشت، تربیت یافته بود و ترجمه بعضی از کتاب های ریاضی به عربی را به او نسبت می دهند. پدر او از مرو به طبرستان آمد و در آنجا بود که علی تولد یافت. علی بن رین مدتی در مازندران سمت دبیری مازیار بن قارن (متوفی ۲۲۴ هجری) را بر عهده داشت و بعد از اسارت و قتل او به بغداد رفت و نزد المعتصم سمت دبیری یافت و به تألیف کتاب هایی مبادرت نمود از جمله کتاب *فردوس الحکمه* را در قرن سوم هجری تألیف کرد. او تمامی مراحل پیش از تألیف این کتاب را در طبرستان به انجام رساند و در سامرا آن را کامل کرد. *فردوس الحکمه* اولین کتاب مهم طبی است که توسط مسلمانان و ایرانیان به زبان عربی نگاشته شده است. این کتاب نوعی *دایرة المعارف* پزشکی است که در آن علاوه بر طب، از طبیعیات، حیوان شناسی، جنین شناسی مقایسه ای، گیاه شناسی، روان شناسی و فلسفه نیز بحث شده است. *فردوس الحکمه* یک دوره کامل طب، بهداشت، تغذیه، فیزیولوژی، نشانی ها و درمان را در بر دارد و در آن بیماری اندام های مختلف برونی و درونی بدن، داروها و شیوه های درمان ذکر شده است. ابن رین در تألیف کتاب خود از اطلاعات ایرانیان و هندوان و یونانیان در مسائل مختلف استفاده کرد و به جمیع مباحث علم پزشکی و داروشناسی در آن توجه نمود. در این کتاب مجموعه طب بقراطی و جالینوسی با معارف هندی و پزشکی در هم آمیخته شد. از دیگر آثار ابن ربن طبری می توان *تحفة الملوک*، کتاب فی-*الامثال والادب علی مذاهب الفرس والروم والعرب*، *منافع الاطعمه والاشربة والعقاقیر*، کتاب فی ترتیب الاغذیة و کتاب فی *الحجامة* را نام برد. علی بن ربن طبری همچنین به شهر ری نیز سفر کرد و در آنجا مدتی اقامت داشت.

محمد بن زکریای رازی (تولد ۲۵۱ق/ وفات ۳۱۳ق): زکریای رازی در شهر ری به دنیا آمد و پس از موسیقی، فلسفه و شیمی در سی سالگی به پزشکی روی آورد و رئیس بیمارستان شهرش شد و سپس به ریاست بیمارستان معتضدی بغداد رسید. او در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، تألیف کتاب های مهم طبی خویش را آغاز کرد.

رازی احتمالاً کاشف الکل (اتانل) و جوهر گوگرد (اسیدسولفوریک) است. او توانست از تأثیر آب آهک بر نشادر (کلرید آمونیوم)، اسید کلریدریک و از سوزاندن زرنیخ، اکسید آرسنیک یا مرگ موش و با اثر دادن سرکه بر مس، استات مس یا زنگار به دست آورد. از زنگار برای شستشوی زخم استفاده می-

شد. همچنین به احتمال او برای نخستین بار از نارنج، اسیدسیتریک تهیه کرد. رازی شیمی را قبل از پزشکی شروع کرد و در رابطه با علم شیمی بیست جلد کتاب نوشت.

رازی علم دارو و گیاهشناسی را نزد شیخ صیدلانی، دواساز بیمارستان بغداد آموخت. او برای اولین بار اصول آزمایش داروها و مواد را در طب باب نمود. ابوریحان بیرونی فهرستی از نام ۱۸۴، ابن ندیم ۱۶۷، ابن ابی اصیبعه ۲۳۵، القفطی ۱۲۳ کتاب و رساله رازی را ذکر می‌کنند که از این نظر می‌توان او را یکی از نویسندگان پرکار جهان دانست. کتاب *المنصوری* یا *الطب المنصوری* کتاب مشهور و مختصری است که رازی آن را برای منصور بن اسحاق سامانی تألیف کرد و پس از *الحاوی* مهم‌ترین کتاب این دانشمند است که بارها به زبان لاتین ترجمه شده و از کتاب‌های اصلی درس پزشکی در جهان بوده است. کتاب *المنصوری* مشتمل بر ده کتاب از جمله تشریح، امزجه، اغذیه و ادویه، حفظ‌الصحه، جراحی، سموم و حمیات است. اثر دیگر او *الطب الملوکی* است که برای علی بن وهسودان دیلمی فرمانروای طبرستان نگاشت. کتاب *الجدری والحصبه* قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کتابی است که درباره آبله و سرخک نگاشته شده و در آن حدود هزار سال قبل از پاستور نظریه تخمیری یا به عبارتی میکروبی عامل بیماری‌های واگیر گفته شده است. *الحاوی* مهم‌ترین و مفصل‌ترین تألیف رازی است که به حقیقت *دایرة المعارفی* پزشکی است و در آن بیماری‌های مختلف و درمان آن‌ها مورد بحث قرار گرفته و به آرای پیشینیان با ذکر مأخذ اشاره شده است. رازی پانزده سال از عمر خود را بر سر این تألیف گذاشت و بر اثر آن سلامت و بینایی خود را از دست داد. *الحاوی* به صورت یادداشت‌های پراکنده‌ای توسط رازی نوشته و پس از مرگ وی به وسیله شاگردان او تنظیم شد. نسخه کامل *الحاوی* بسیار کمیاب بود چنان‌که علی بن عباس اهوازی که حدود ۶۰ سال پس از مرگ رازی کتاب خود را نوشته، می‌گوید در روزگار ما تنها دو نسخه کامل از این اثر وجود دارد. این کتاب در سال ۱۲۷۹ میلادی توسط فرج بن سالم به زبان لاتین ترجمه شد و سپس از سال ۱۴۸۶ میلادی چندین بار در شهرهای برسکیا و ونیز به چاپ رسید. این کتاب به زبان عربی نوشته شده است. *الحاوی* کامل‌ترین و جامع‌ترین اطلاعات علم پزشکی را تا عهد مؤلف در برداشت و به همین جهت دومین رکن از ارکان چهارگانه علم طب در تمدن اسلامی شمرده شد. این کتاب، مجموعه‌ای از عقاید طبای یونان، عرب، ایران و روم تا زمان تألیف، همراه با نظریات و مشاهدات دقیق مؤلف است که در آن اصول تداوی، حفظ‌الصحه، علم امراض و دواسازی مورد بحث قرار گرفته است. کتاب از ۱۲ قسمت معالجه بیماری‌ها و بیماران، حفظ صحت، شکسته‌بندی و جراحات، قوای داروها و غذا، ادویه مرکب، صنعت طب، داروسازی، ابدال، اوزان، تشریح، اسباب طبیعی در صناعت طب و مدخل علم طب در دو مقاله تشکیل شده است. در کتاب *الحاوی* به ۸۲۹ مفرد اشاره شده است. برخی از مجلدات سی‌گانه این *دایرة المعارف* مفصلی پزشکی در دسترس نیست. از ترجمه لاتین آن ۲۵ جلد و از متن عربی آن حدود نیمی از کتاب موجود است.

همچنین رازی کتاب *الابدال الادویة المستعمله فی الطب و العلاج* را به زبان عربی نوشته است. این کتاب فصول و ابواب مجزایی ندارد بلکه پس از ذکر چند سطر به عنوان قوانین الابدال از قول جالینوس، ادویۀ مورد نظر و بدل هر یک به ترتیب حروف ابجد ذکر می‌شود. این اثر در برگیرنده ۱۲۲ مفرده است. کتاب *الابدال* دربرگیرنده یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در موضوع مفردات و داروسازی است، چراکه در ساخت بسیاری از داروهای ترکیبی گاه نبودن یک جزء، کار را دشوار می‌سازد و شناخت بدل مفردات از این جهت سودمند است. از سوی دیگر رازی در این اثر، علاوه بر نقل دانسته‌های ارزشمند خود، به آثار و اقوال دانشمندان بسیاری که در مقدمه به آن‌ها اشاره نموده، استناد می‌نماید و همین این اثر را از منظر مطالعات تاریخی نیز سودمند می‌سازد.

رازی کتاب‌های دیگری نیز در علم پزشکی نگاشته که معروف‌تر از همه کتاب *الشکوک* در ذکر ایراداتی بر جالینوس و کتاب‌های *من لایحضره الطیب* حاوی دستورهایی ساده برای درمان بیماری‌ها، *قربادین*، *المدخل الطب*، *سرالطب* و *کتاب فی الادویة العین* است.

ابومنصور موفق بن علی هروی (وفات ۳۶۶ق): ابومنصور موفق بن علی هروی، داروساز و پزشک ایرانی است که در اواخر قرن چهارم و پنجم قمری می‌زیست. نخستین کتاب داروسازی به زبان فارسی را با نام *الابنیة عن حقایق الادویة یا روضة الانس و منفعة النفس* نگاشت که می‌توان آن را اولین فارماکوپه نامید. نسخه‌ای از این کتاب یکی از قدیمی‌ترین نسخ خطی جهان و یکی از قدیمی‌ترین کتب در دسترس طب سنتی به زبان فارسی است. این نسخه منحصر به فرد به خط اسدی طوسی، شاعر و مؤلف *گرشاسب‌نامه*، (تاریخ کتابت ۴۴۷ق) در کتابخانه وین موجود است. مؤلف در این کتاب کوشید که همه آثار پیشینیان از جمله بقراط، ارسطو، جالینوس، ماسرجویه، حنین بن اسحاق، بنخیشوع، علی بن ربیع طبری، محمد بن زکریای رازی را بررسی کند و به‌مخصوص از مکتب پزشکی هند نیز بهره‌برد. وی علت نگارش آن را ایجاز یا نقص آثار پیشین و نیز استقبال امیر وقت از تألیف اثری جامع و کامل ذکر کرده است. در این کتاب به بیماری‌های مشترک انسان و حیوان نیز اشاره‌هایی شده است. این کتاب دارای ۲۹ باب و حاوی ۵۸۴ ماده دارویی است که در آن، مفردات به ترتیب حروف الفبا (تنها اولین حرف کلمه) مرتب و پس از ذکر نام ماده دارویی، انواع، خواص و موارد مصرف آن ذکر شده است. این کتاب از لحاظ لغت و اسامی فارسی بیماری‌ها، داروها و جانوران بسیار غنی و ارزنده است.

ربیع بن احمد اخوینی بخاری (وفات ۳۷۱ق): ربیع بن احمد اخوینی بخاری کنیه‌اش ابوبکر یا ابو حکیم، شاگرد ابوالقاسم مقانعی از شاگردان محمد زکریای رازی و از تربیت یافتگان مکتب این پزشک نامی است. به توفیقی که در معالجه بیماران روانی داشته، او را پزشک دیوانگان لقب داده‌اند. اثر طبی اخوینی